

اشکال جنبش طبقه کارگر (1)

(تعطیل کارخانه ها و تاکتیکهای مارکسیستی)

تعطیل کارخانه‌ها*، یعنی اخراج دسته جمعی کارگران به وسیله موافقتنامه مشترک میان کارفرمایان، در یک جامعه سرمایه داری، درست به اندازه اعتصاب، پدیده‌ای ضروری و اجتناب ناپذیر است. سرمایه که تمامی سنگینی خرد کننده خود را بر دوش تولیدکنندگان خرد خانه خراب و پرولتاریا قرار می دهد، پیوسته تهدید می کند که شرایط زندگی کارگران را تا سطح گرسنگی پائین آورده و آنان را محکوم به مرگ از گرسنگی نماید. و در تمام کشورها مواردی بوده است، حتی به صورت دوره‌های کامل از زندگی ملتها، که شکست مبارزه کارگران آنها را به ورطه فقر وحشتناک و وحشت از گرسنگی افکنده است.

مقاومت کارگران، از عمق شرایط زندگیشان - فروش نیروی کار - نشأت می گیرد. تنها در نتیجه چنین مقاومتی است که علیرغم قربانیهای بیشماری که کارگران در طی مبارزه شان باید بدهند، قادر خواهند بود به سطحی قابل تحمل در زندگیشان دست یابند. اما سرمایه هر چه متمرکزتر می شود، شرکت‌های مانوفاکتوری گسترش یافته و تعداد بیکاران و بی نوایان نیز افزایش می یابد، و البته در کنار اینها خواست پرولتاریا قرار دارد؛ در نتیجه مبارزه برای به دست آوردن شرایط مناسب زندگی، از هر زمان دیگری مشکل تر می شود. هزینه زندگی که در سالهای اخیر به سرعت بالا می رود، معمولا همه کوششهای کارگران را خنثی می سازد.

تشکیلات کارگران، و در پیشاپیش و مقدم بر همه آنها اتحادیه‌های کارگری، با جذب توده‌های هر چه وسیع تری از پرولتاریا به مبارزه سازمان یافته، مقاومت کارگران را نقشه مندتر و سیستماتیک تر می کنند. اعتصابها با وجود انواع مختلف اتحادیه‌های کارگری سرسختانه تر می شوند: آنها در تعداد کمتر رخ می دهند، اما هر مبارزه‌ای از ابعاد بزرگتری برخوردار است.

تعطیلی کارخانه‌ها به واسطه تشدید مبارزه به وجود می آیند، و متقابلا مبارزه را تشدید می کنند. پرولتاریا با شرکت در مبارزه و گسترش آگاهی طبقاتی خویش و نیز

* در ترجمه این مقاله کلمه Lockout به صورت «تعطیل کارخانه» ترجمه شده است. این کلمه بیانگر سیاستی است که سرمایه داران به هنگام اوج گیری مبارزات کارگران بکار می برند، به این صورت که واحدهای تولیدی که در آنها کارگران از تشکل، آگاهی و روحیه انقلابی بالایی برخوردارند را بدون توجه به سوددهی واحد مربوطه تعطیل می کنند تا کارگران را متفرق و منفعل سازند - مترجم.

تشکیلات و تجربیات خود در مبارزه، هر چه بیشتر متقاعد می شود که دگرگونی کامل اقتصادی جامعه سرمایه داری ضروری است.

تاکتیکهای مارکسیستی، شامل تلفیق اشکال **مختلف** مبارزه، انتقال ماهرانه از یک شکل به شکل دیگر، افزایش مداوم آگاهی توده‌ها و گسترش دامنه فعالیت مشترک آنان بوده، که هر یک از اینها، بطور جداگانه می تواند تعرضی یا تدافعی باشد، و همگی آنها، مجموعاً، به یک مبارزه قاطع تر و شدیدتر بیانجامند.

روسیه از یک شرایط اساسی برای **چنین** گسترشی در مبارزه، آنگونه که در کشورهای اروپای غربی مشاهده می کنیم، یعنی دست زدن به مبارزه از طریق اتحادیه هائی که کاملاً تثبیت شده و منظم گسترش می یابند، برخوردار نیست.

بر خلاف اروپا که مدت زیادی از آزادی سیاسی برخوردار بوده است، جنبش اعتصابی روسیه در سالهای 14-1912 از وراء محدوده تنگ «تردیونیونی» فراتر رفت. لیبرالها این را **منکر شدند**، در حالیکه سیاستمداران لیبرال - کارگری (انحلال طلبان) از درک آن عاجز ماندند، یا چشمان خود را بر روی آن بستند. اما حقایق آنها را وادار ساخت که بدان اقرار کنند. در سخنرانی میلیوکف در دوما، به هنگام استیضاح درباره حوادث لئا، پذیرش **اجباری**، همراه با تأخیر، مرددانه و افلاطونی (یعنی نه به همراه کمک مؤثر، بلکه به همراه حسرت و افسوس) اهمیت **کلی** جنبش طبقه کارگر کاملاً صریح بود. انحلال طلبان با صحبت‌های لیبرالیشان در مورد «جنون اعتصاب» و **مخالفتشان** با تلفیق انگیزه‌های اقتصادی با انگیزه‌های دیگر در جنبش اعتصابی (به خواننده یادآوری می کنیم که آقایان یژوف و شرکاء در سال 1912 شروع کرده بودند که به **این سبک** حرف بزنند!)، باعث برانگیختن بیزاری بر حق کارگران گشتند. به همین دلیل است که کارگران مصممانه و آگاهانه، انحلال طلبان را در جنبش طبقه کارگر کاملاً «از پستشان برکنار کردند».

شیوه برخورد مارکسیستها نسبت به جنبش اعتصابی هیچگونه تزلزل یا نارضایتی در میان کارگران پدید نیاورد. به علاوه، مارکسیستهای متشکل، اهمیت تعطیل شدن کارخانه‌ها را **حتی از فوریه 1913** (2) رسماً ارزیابی کرده بودند (حقیقت اینست، اما در عرصه‌ای که انحلال طلبان، این بردگان لیبرالها، نمی بینند). پیش از این، در فوریه 1913، تصمیم رسمی مارکسیستها بطور واضح و آشکاری از تعطیل کارخانه‌ها و ضرورت آنکه **ما باید آن را در تاکتیکهایمان به حساب بیاوریم** صحبت می کرد. آنها را چگونه باید به حساب آورد؟ با کاوش دقیق در اهمیت عملی هر اقدام مشخص، با تغییر شکل مبارزه، جایگزین نمودن (دقیقاً همین کلمه پیشنهاد شده بود!) شکلی به جای شکل دیگر، بطوری که گرایش عمومی، **ارتقاء به اشکال بالاتر باشد**. کارگرانی که از آگاهی طبقاتی برخوردارند، به خوبی با موارد مشخصی که جنبش به اشکال دیگری ارتقاء پیدا کرده و از نقطه نظر تاریخی به آزمایش گذارده شده است، یعنی چیزی که فقط برای انحلال طلبان کاملاً «بیگانه» و «نامفهوم» است، آشنا هستند.

در بیست و یکم مارس، به محض آنکه تعطیل کارخانه‌ها اعلام شد، پراودیست‌ها شعار صریح خود را اعلام داشتند: **نگذارید** کارفرمایان زمان و شکل عمل ما را انتخاب کنند؛ فعلا دست به اعتصاب زنید! اتحادیه‌های کارگری و مارکسیست‌ها متشکل می‌دانستند و می‌دیدند که این شعار **خودشان** است که به وسیله همان اکثریت پرولتاریای پیشاهنگی تنظیم شده که انتخاب نمایندگان را برای «هیئت بیمه» (3) تأمین کرد، و هم اکنون **تمام** فعالیت‌های کارگران سن پترزبورگ را **علیرغم** فریادهای نفاق افکنانه و لیبرالی انحلال طلبان رهبری می‌کند.

شعار بیست و یکم مارس – حالا دست به اعتصاب زنید – شعار کارگرانی بود که می‌دانستند قادر خواهند بود شکلی [از مبارزه] را **جایگزین** شکل دیگر آن کنند، و می‌دانستند که دارند مبارزه می‌کنند و به مبارزه شان – از طریق تغییر مداوم اشکال مبارزه – برای ارتقاء کلی به سطحی بالاتر ادامه خواهند داد.

کارگران می‌دانستند که نفاق افکنان میان جنبش طبقه کارگر – انحلال طلبان و نارودنیکها – سعی خواهند کرد در این مورد نیز در میان کارگران نفاق ایجاد کنند و از پیش آماده بودند که در مقابل آنها ایستادگی کنند.

در بیست و ششم مارس، گروه‌های انحلال طلب و نارودنیک، مخالفان خواست **اکثریت** کارگران آگاه سن پترزبورگ و روسیه، مهمات بورژوازی را که در اردوگاه آنان بسیار عادی است، در روزنامه شان چاپ کردند. نارودنیکها (به تشویق انحلال طلبان) شروع کردند به صحبت کردن از «بی فکری» (کارگران آگاه مدتهاست می‌دانند هیچکس به اندازه نارودنیکها بی فکر نیست) در حالی که انحلال طلبان سخنرانی‌های لیبرالی می‌کردند (این سخنرانیها در **پوت پراودی*** شماره 47، مورد تحلیل قرار گرفته و محکوم شده‌اند) و اصرار می‌کردند که بجای اعتصاب، کارگران بایستی ... نه، نه اینکه به اشکال بالاتر مبارزه دست بزنند بلکه ... به عریضه نگاری و «قطعنامه» توسل جویند!

کارگران پیشرو، توصیه لیبرالی و شرم آور انحلال طلبان و بلبل زبانی احمقانه نارودنیکها را به کناری انداخته و راه خود را ادامه دادند.

کارگران، تصمیم قبلی را، مبنی بر اینکه در موارد **مشخص** تعطیل کارخانه‌ها، بایستی اشکال **معین** و بالاتر مبارزه با توجه به موارد مشخص جایگزین اعتصاب شود به درستی می‌شناختند و آن را به درستی به کار بستند.

کارفرمایان نتوانستند به هدف تحریک آمیز خود از تعطیل کارخانه‌ها دست یابند. کارگران مبارزه را در صحنه‌ای که دشمن شان انتخاب کرده بود نپذیرفتند؛ در همان موقع کارگران تصمیم مارکسیست‌های متشکل را به کار بسته و با انرژی بیشتر و آگاه نسبت به اهمیت جنبش خویش، مسیر قبلی خود را ادامه می‌دهند.

* Put Pravdy

ترجمه شده از جلد بیستم مجموعه آثار لنین، متن انگلیسی

توضیحات

1- مقاله «اشکال جنبش طبقه کارگر (تعطیل کارخانه‌ها و تاکتیک‌های مارکسیستی)» در رابطه با تعطیلی کارخانه‌ها که از طرف صاحبان کارخانه‌های سن پترزبورگ در بیستم مارس (دوم آوریل) 1914 اعلام گردید، نوشته شده است.

در مارس 1914، موارد متعدد مسمومیت در میان زنانی که در کارخانه‌های تریگولنیک در سن پترزبورگ کار می‌کردند مشاهده شد و باعث خشم عمومی و اعتصاب در بخشی از پایتخت گردید. صاحبان کارخانه‌های سن پترزبورگ متقابلاً با تعطیلی کارخانه‌ها جواب دادند. صاحبان کارخانه‌ها گزارش کردند در نتیجه تعطیلی حدود 70000 کارگر تنها در یک روز اخراج شدند. هدف این کار تحریک کارگران به یک اعتصاب توده‌ای بود تا از این طریق بهتر بتوانند دامنه جنبش کارگری را محدود نمایند. اما کارگران به رهبری بلشویک‌ها تحریک نشدند. با توجه به تعطیلی‌ها، اعلام اعتصاب عمومی غلط تشخیص داده شد و پراودا کارگران را به اشکال دیگر مبارزه مانند میتینگ‌های توده‌ای در کارخانجات و تظاهرات انقلابی در خیابانها دعوت کرد. کمیته سن پترزبورگ حزب کارگری سوسیال دمکرات روسیه اعلامیه‌ای منتشر کرد و در آن از کارگران خواست که در تظاهرات چهارم آوریل 1914، دومین سالگرد تیراندازیهای لنا شرکت نمایند.

روز موعود، روزنامه پوت پراودی با سرمقاله‌ای از لنین منتشر شد - «اشکال جنبش طبقه کارگر». این مقاله تا آنجایی که شرایط سانسور حاکم اجازه می‌داد، کارگران را به اجرای دستورات جلسه کمیته مرکزی حزب کارگری سوسیال دمکرات روسیه در کراکو که مشترکاً همراه با کارگران اتخاذ شده و در آن ضرورت یافتن «شیوه‌های جدید مبارزه بر علیه تعطیلی کارخانه‌ها» و نیز «میتینگ‌های انقلابی و تظاهرات انقلابی خیابانی» به جای اعتصاب سیاسی ذکر شده بود، دعوت می‌کرد. لنین تأکید خاصی بر تظاهرات انقلابی به عنوان شکل مورد نیاز آن زمان مبارزه داشت.

کارگران با یک تظاهرات انقلابی قدرتمند به درخواست حزب پاسخ دادند. تظاهرات را روزنامه‌های بورژوایی گزارش کردند. روزنامه انحلال طلب سورنایا رابوچایا گزارشا تظاهرات را گزارش کرد بی آنکه ذکری از اعلامیه توزیع شده کمیته سن پترزبورگ کرده باشد و حتی مقاله لنین، «اشکال جنبش طبقه کارگر» را نیز مورد حمله قرار داد. وقتی که کارگران درگیر مبارزه‌ای حاد با سرمایه داران بودند، انحلال طلبان می‌خواستند که کارگران «آرامش را حفظ کنند» و به بلشویک‌ها به خاطر

سازماندهی تظاهرات انقلابی حمله می کردند. لنین رفتار انحلال طلبان را دهشتناک خواند و طرز برخورد آنان را نسبت به تظاهرات انقلابی چهارم آوریل، نمونه‌ای تیپیک از درهم شکستن کار غیرقانونی توصیف کرد. در گزارش کمیته مرکزی حزب کارگری سوسیال دمکرات روسیه به کنفرانس بروکسل لنین بخش بزرگی را به افشای فعالیت‌های انحلال طلبان اختصاص داد. (به صفحات 495-535 جلد بیستم مجموعه آثار لنین به زبان انگلیسی مراجعه نمایید)

2- اشاره به **کنفرانس کمیته مرکزی حزب کارگری سوسیال دمکرات روسیه است با کارگران حزبی** که به دلایل امنیتی ملاقات «فوری» نامیده شده. کنفرانس در کراکو از 26 دسامبر 1912 تا اول ژانویه 1913 (8 تا 14 ژانویه 1913) با حضور لنین، ن. ک. کروپسکایا، ن. ر. شاگوف، ا. ی. بادایف، گ. ا. پتروفسکی و دیگران برگزار شد. سازمانهای غیرقانونی حزب در سن پترزبورگ، منطقه مسکو، جنوب، اورال و قفقاز در ملاقات حضور داشتند. ریاست جلسه با لنین بود که گزارشی درباره «اعتلای انقلابی، اعتصابات و وظایف حزب»، «طرز برخورد به انحلال طلبان و وحدت» (متن این گزارشها در دست نیست) به صورت طرح مقدماتی تهیه کرده، و تمامی قطعنامه‌ها را تنظیم نمود. و نیز «گزارش» کمیته مرکزی حزب کارگری سوسیال دمکرات روسیه را هم نوشت.

«کنفرانس» تصمیماتی در مورد مهم ترین موارد جنبش طبقه کارگر اتخاذ نمود بطور مثال: وظایف حزب در رابطه با اعتلای انقلابی نوین و جنبش رو به رشد اعتصابی، ساختمان تشکیلات غیرقانونی، کار گروه سوسیال دمکرات در دوما، مبارزه انتخابی برای بیمه، مطبوعات حزب، سازمانهای ملی سوسیال دمکراتیک، مبارزه بر علیه انحلال طلبی و اتحاد حزب پرولتری.

تصمیمات کنفرانس نقش مهمی در تحکیم حزب و اتحاد آن، همچنین در گسترش و منسجم کردن ارتباط با توده‌ها و نیز اتخاذ شیوه‌های جدید حزبی مطابق با جنبش رو به رشد طبقه کارگر ایفا کرد.

3- «مبارزه انتخاباتی برای بیمه» اشاره به مبارزه‌ایست که در رابطه با انتخابات مؤسسات بیمه اوج گرفت. مبارزه انتخاباتی در پائیز 1912 پس از تصمیم دولت تزاری در بیست و سوم ژوئن 1912 درباره قانون بیمه کارگران که تنها 12 درصد آنان را دربر می گرفت آغاز شد. بلشویکها از این انتخابات برای تبلیغات انقلابی استفاده کردند و وارد مبارزه برای دست یافتن به سازمانها و مؤسسات قانونی کارگری شدند. با تلفیق فعالیت‌های قانونی و غیرقانونی، بلشویکها موفق شدند نفوذ خود را بر ارگانهای بیمه برقرار کنند. انتخابات «هیئت بیمه» در مارس 1914 برگزار شد و گروه‌های کارگری برای امور بیمه تحت نظارت «هیئت» تشکیل داده شد که نشریه بلشویکها «وپروسی استراخوانیا» (مسائل بیمه) ارگان رسمی